

مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت از نظرگاه اسلام با توجه به آرمان شهر مهدوی

مجتبی معنوی *

غلامرضا بهروزی لک **

چکیده

توسعه و پیشرفت به عنوان شاخصی مهم، برای جوامع بشری شناخته شده است و این سؤال وجود دارد که مؤلفه‌ها و عوامل شکل‌دهنده توسعه و پیشرفت از نظر اسلام و با توجه به آرمان شهر مهدوی چیست؟ در اندیشه اسلامی توسعه‌یافتگی و پیشرفت، به‌ویژه در بعد سیاسی با حکومت امام عصر علیه السلام تجلی می‌یابد. از آنجا که حرکت به سوی کمال موجب رسیدن به قله سعادت و قران کریم هدف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را اظهار امر دین بیان کرده؛ تحقق کامل این امر در مدینه فاضله مهدوی به عنوان شاخصی برای توسعه و پیشرفت اسلامی خواهد بود. هدف تحقیق پیش‌رو ارائه فرایند توسعه اسلامی بر اساس آموزه مهدویت است. مهم‌ترین مؤلفه‌ها که در این مقاله برای توسعه‌یافتگی و پیشرفت بر اساس آموزه مهدویت شناسایی شده عبارتند از: محوریت امام معصوم علیه السلام، همراهی و همدلی جامعه با امام عصر علیه السلام، هماهنگی با اقتضائات زمان، تعقل و تفکر، تقویت ایمان و تزکیه قلوب. واژگان کلیدی: مهدویت، آرمان شهر، توسعه‌یافتگی، پیشرفت، مؤلفه‌ها.

توسعه از مفاهیم مهمی است که از آن به عنوان معیاری برای طبقه‌بندی جوامع بشری استفاده می‌شود، جوامع توسعه‌یافته از جمله جوامعی هستند که بر مشکلات و بحران‌های اجتماعی فائق آمده و به آرمان‌های خود دست یافته‌اند. پیشینه مسئله پژوهش، به صورت غیر منسجم در منابع اسلامی قابل دستیابی است و در برخی منابع مانند «ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، نوشته نرجس عبدیایی به اجمال مورد اشاره قرار گرفته است؛ ولیکن تدوین جامع‌تر و سامان‌دهی و مؤلفه‌بندی آن به تلاش بیش‌تری نیاز دارد که نگارنده سعی دارد به آن بپردازد. این پژوهش در صدد است توسعه و پیشرفت از نظر اسلام را ترسیم و چپستی آن را با توجه به آرمان شهر و مدینه‌ی فاضله مهدوی تحلیل کند. فرضیه این پژوهش آن است که آرمان‌شهر مهدوی بر خلاف مدینه‌فاضله بشری غیرانتزاعی بوده و از چهره‌ای واقعی و قابل دستیابی برخوردار است و می‌توان برای رسیدن به آن برنامه‌ای مناسب و الگویی شایسته تدوین کرد؛ و تلاش برای رسیدن به آن نتیجه‌بخش است.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که هر گونه تعریف و ترسیم آرمان‌شهر مهدوی قبل از شکل‌گیری آن به دست امام عصر علیه السلام که انسان کامل است، تعریفی ناقص و غیر دقیق است. به همین جهت نمی‌توان تعریف دقیقی از آن ارائه و فقط می‌توان بعضی از اوصاف آن را به عنوان شاخصی برای تحقق آن مطرح کرد که در این صورت، جامعه آرمانی می‌تواند با الگو قراردادن آن برای رسیدن به آن یا حداقل در جهت آن تلاش کند که در این صورت، ثمره این کار همسویی و ایجاد سنخیت و همگرایی رفتاری جامعه آرمان‌گرا با مدینه فاضله مهدوی بوده و می‌تواند سمت و سوی پیشرفت را برای جامعه آرمان‌گرای مهدوی معین کند. این مسئله با رویکرد متداول آن و با مفاهیم غربی و گرایش غیراسلامی، مورد نظر و بحث نیست.

مفهوم توسعه و پیشرفت در اسلام؛ اگر چه با مفهوم این واژه در غرب و مبتنی بر تفکر

بشری تعارض و تناقض قطعی ندارد؛ نمی‌توان مفهوم توسعه و پیشرفت اسلامی را متصلب به اندیشه بشری و در چارچوب فکری انسانی با بینشی سطحی و نگرشی مادی تصور کرد. وجود مشکلات فراوان در کشورهای توسعه‌یافته دلیل واضح بر این ادعا است و خود‌گویای این حقیقت است که توسعه یا تحقق پیدا نکرده یا با مفهومی اشتباه و بر پایه مبانی نادرست شکل گرفته است که در مقام عمل، توسعه و پیشرفت را پیش روی جامعه قرار نمی‌دهد و خود عاملی برای بحران‌هایی مانند اختلاف طبقاتی و تبعیض نژادی گردیده است و در مجموع باید توجه داشت که هدف توسعه در غرب با هدف توسعه در اسلام سازگاری ندارد و بین ماهیت این دو، تفاوت جوهری و ذاتی وجود دارد. از سوی دیگر، این مسئله با نگرشی تک‌ساحتی به انسان با جهان‌بینی مادی، موجب می‌شود به توسعه و پیشرفت با رویکردی خاص و محدود نگریده شود و نظر اسلام را مورد غفلت قرار دهد و یا به تأمین آن قادر نباشد. به همین دلیل لازم است ابتدا مبنای توسعه و پیشرفت از نظر اسلام تصویر و هدف در رشد و کمال اسلامی تعریف شود و در پی آن، انواع توسعه و سپس عوامل توسعه و پیشرفت از نظر اسلام مورد عنایت قرار گیرد و با توجه به آرمان شهر مهدوی به آن‌ها پرداخته شود.

شایان ذکر است استفاده از واژه «توسعه» ممکن است به لحاظ ملزوماتی که در اندیشه غرب دارد، نوعی وابستگی در ذهن مخاطب با گرایش به مفهوم غربی آن پدید آورد و پژوهش را در سایه توسعه غربی شکل دهد؛ به همین دلیل؛ چنان‌که در سخنان مقام معظم رهبری آمده است مناسب است جهت پژوهش به واژه «پیشرفت» معطوف و از وام‌گرفتن پیشرفت مفاهیم غربی پرهیز شود (الگوی اسلامی - ایرانی، ۱۳۹۲: ۸۰).

مبانی توسعه و پیشرفت از نظر اسلامی این فرایند را تک‌ساحتی و دنیا‌گرایانه ترسیم نمی‌کند و بر توسعه و پیشرفت جامعه در ساحت دین و دنیا تأکید می‌کند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: لَيْسَ مِنْنَا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۵۶). به همین دلیل، لازم است توسعه و پیشرفت مبتنی بر تحقق این امر در دنیا و آخرت مورد بررسی قرار گیرد. بررسی در آیات و روایات نشان می‌دهد پیشرفت جامعه آرمانی اسلامی مورد توصیه و تأکید پیامبر و اهل‌بیت بوده است؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد رسول خدا است و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و بی رحمند و در بین خود رحیم و دلسوزند، ایشان را می بینی که همواره در رکوع و سجودند و در طلب فضل و رضوان خدایند. علامتشان در رخسارشان از اثر سجده نمایان است، این وصف ایشان است در تورات و اما وصف آنان در انجیل این است که چون زراعتی هستند که از شدت برکت پیرامونش جوانه‌هایی می‌زند و آن جوانه‌ها هم کلفت می‌شود و مستقیم بر پای خود می‌ایستد به طوری که برزگران را به شگفت می‌آورد [مؤمنین نیز این طورند]، این برای آن است که کفار را به خشم آورد، خدا به کسانی که ایمان آورده و از آن بین به کسانی که اعمال صالح هم می‌کنند وعده مغفرت و اجری عظیم داده (فتح: ۲۹).

در این آیه شریفه پیامبر ﷺ و یاران او به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌های خود را خارج ساخته؛ سپس به تقویت آنان پرداخته است؛ به گونه‌ای که بر ساقه خود ایستاده و رشد و نمو آن، زارعان را به شگفتی واداشته است.^۱ این تشبیه رساترین تعبیری است که بر پیشینه پیشرفت در اسلام دلالت دارد که در شرایط آن روز جامعه جاهلیت با تلاش بی‌وقفه پیامبر ﷺ و همراهی گروهی اندک مؤمنان شکل گرفت و ماهیت توسعه یافته آن در جامعه آرمانی عصر ظهور شکل می‌گیرد و همین امر موجب خشم کفار گردید.

از نظر اسلام نه تنها ایستایی، بلکه فعالیتی برابر با روز یا شرایط گذشته و به تعبیری درج‌زدن موجب زیان و خسران دانسته شده است: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ» (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۴۲). بر این اساس، روح حاکم بر اسلام بر پیشرفت و کمال جامعه تأکید دارد. سؤال از این که پیشرفت با کدام مؤلفه قرار است از منظر اسلام در آرمان شهر مهدوی تحقق پیدا

۱. ر.ک: تفسیر صافی، ج ۵: ۴۶.

کند، در سامانه این مقاله پی گرفته می شود و با توجه به پیشینه پیشرفت در اسلام و تأکید بر رسیدن جامعه آرمان گرا به کمال، ضرورت آن به عنوان عملی صالح و موجب غیظ کفار، برای انگیزش آرمان گرایان و تلاش آنان برای رسیدن به جامعه آرمانی مهدوی تحلیل می گردد.

مفهوم توسعه و پیشرفت، آرمان شهر مهدوی

توسعه^۱ در دیدگاه اندیشمندان مختلف با توجه به رویکرد و گرایش آن ها به مسائل گوناگون دارای تعاریف متعددی است.

ادوارد تایلور، با گرایش فرهنگی در تعریف توسعه می نویسد:

هرگاه با هنرهای پیشرفته، دانش متری و سازمان های پیچیده برخورد کنیم، باید بدانیم که این ها از توسعه و پیشرفت تدریجی مراحل ساده قبل نتیجه گیری شده اند و هیچ مرحله ای از تمدن به خودی خود به وجود نمی آید؛ بلکه هر مرحله از مرحله قبلی ناشی می شود و متکی به آن است (ادیبی، ۱۳۵۳: ۲۵۰).

اسپنسر، توسعه را ادغام و یکپارچگی ماده دانسته که با اصطکاک و تجزیه حرکت همراه است (توسلی، ۱۳۷۶: ۹۹).

اگوست کنت، پیشرفت انسان را دارای سه مرحله الهی، متافیزیک و علمی می داند. به نظر کنت هر یک از مراحل پیشرفت جامعه بشری، با تکامل ذهن بشر شکل می گیرد (همان).

بسیاری از نظریه پردازان جهانی شدن نیز توسعه و پیشرفت را در قالب رشد فزاینده فناوری ارتباطات و اطلاعات، توسعه روابط بین الملل در ابعاد سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تصور کرده و مؤلفه آن را شکل گیری سازمان های جهانی، به ویژه در حوزه کلان اقتصاد می دانند.^۲ دقت در تعاریف و شاخص های مذکور نشان می دهد توسعه در ساحتی مادی

۱. Development

۲. ر.ک: کتاب نظریه های جهانی شدن نوشته دکتر حسین سلیمی.

و دور از هرگونه امر قدسی دیده شده و طبیعی است که در این فرض نمی‌تواند به مدینه فاضله و آرمان شهر مهدوی ناظر باشد؛ به‌ویژه که هدف غایی در هیچ یک از آن‌ها با هدف نهایی در اندیشه مهدویت مشترک نیست. حتی نمی‌توان پذیرفت که آرمان‌شهری که افلاطون مبنی بر شهریاری فیلسوفان مطرح می‌کند و یا جامعه‌ای که فارابی برپایه همکاری اجتماعی مورد اشاره قرار می‌دهد و یا شهر نابی که فوکویاما در پرتو لیبرال دموکراسی در سر می‌پروراند و یتویپایی که تامس مور، آگوستین، سیسرون، هابز و بولتالک و... از آن سخن می‌گویند با مدینه فاضله همسو و هماهنگ باشد.

غرب با گرایش به شرک و تساهل، توسعه را دنبال می‌کند؛ در حالی که پیشرفت نمی‌تواند با تساهل و شرک قابل جمع باشد؛ به همین لحاظ مفهوم پیشرفت متمایز از مفهوم توسعه است. مقام معظم رهبری در باره مفهوم پیشرفت می‌فرماید:

کلمه پیشرفت را با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه توسعه را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ الزاماتی را با خود همراه دارد که ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم. این مفهوم عبارت است از «پیشرفت» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در سال ۱۳۸۹ با عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت).

در بیانی دیگر فرمودند:

پیشرفت رسیدن به حیات طیبه، یعنی زندگی گوارا همراه با آسایش و آرامش و در کل سعادت دنیا و عقباست (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸).

آموزه مهدویت و آرمان شهر مهدوی که داعیه‌دار به‌حق، تأمین سعادت دنیا و آخرت است بر اظهار دین مبتنی بوده و هدف نهایی آن و اوج قله توسعه و پیشرفت در آن زدودن شرک از نظام هستی و برپاداشتن توحید در کل جهان است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى

وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳). در بخشی از ادعیه مهدوی برای اشاره به این مطلب آمده است:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِيَّ أَمْرَكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ... وَ الْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنَّ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبَدْلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا؛ خداوندا! دعوت به کتاب الاهی و برپایی دین را بار دیگر با امام زمان آغاز کن؛ همان گونه که قبل از او دین تو به پا گشته بود و رضایت تو در گرایش جامعه به اوست؛ چراکه با ظهور او امنیت و توحیدی، دور از هر گونه شرک به تو جایگزین ترس و نگرانی خواهد شد (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۱).

از این رو توسعه و پیشرفت با توجه به آرمان شهر مهدوی فرایندی است که در آن عواملی شکل می‌گیرد که به تحقق هدف نهایی حکومت جهانی مهدوی، مبتنی بر حاکمیت توحید می‌انجامد و تبلور و تجلی این پیشرفت را می‌توان در وجوه توسعه یافته آرمان شهر مهدوی در بعد سیاسی نگریست. بنابراین، لازم است عواملی که به تشکیل این فرایند منتهی می‌شود، مورد توجه قرار گیرد و زمینه پرورش و تکثیر آن‌ها در جامعه فراهم شود.

انواع توسعه؛ ممدوح و مذموم

توسعه، فرایندی است که می‌تواند چهره‌های ژانوسی و دوپهلوی داشته باشد و به همان اندازه که برای جامعه موجب پیشرفت و رشد و ترقی می‌شود، در پاره‌ای از موارد مایه نگرانی و منشأ بحران و فقر و ناامنی است. آنچه در اسلام نسبت به توسعه و پیشرفت مورد عنایت ویژه قرار گرفته دو مطلب است:

اول، این که سرمایه الاهی و انسانی حفظ شده و از هرگونه خسارتی در امان باشد و جامعه بداند برای چه خداوند متعال فرصت زندگی کردن در اختیار او قرار داده است. قَدْ أُمِّهَلُوا فِي طَلَبِ الْمَخْرَجِ وَ هُدُوا سَبِيلَ الْمُنْهَجِ؛ خداوند متعال به شما فرصت داده تا راه نجات را یافته و به سوی آن بروید (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۱۰۹).

چنانچه توسعه به خسران جامعه منتهی شود؛ نمی‌توان عنوان توسعه را بر جامعه

خسران زده و متضرر اطلاق کرد. به همین دلیل لازم است جامعه بداند توسعه در چه جهتی و به چه قیمتی ایجاد می‌شود و هدف غایی و مقصد نهایی آن کجاست. قرآن کریم جهت توسعه و پیشرفت را این‌گونه آورده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶). بر اساس این آیه شریفه توسعه و پیشرفت باید جهتی را مورد توجه قرار دهد که به عبودیت می‌انجامد و از همین آیه می‌توان دریافت که توسعه و پیشرفتی که از عبودیت فاصله می‌گیرد از نظر اسلام نمی‌تواند مطلوب باشد؛ زیرا نتیجه آن تخریب آخرت و خسران اخروی است. قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ» (هود: ۶۱). خداوند متعال انسان را برای عمارت و آبادانی و آباد کردن آفریده است. عمران و آبادانی زمانی قابل تصور است که انسان سرمایه الهی و منابعی را که در اختیار دارد، به کار گیرد و با مدیریت کردن سرمایه، دنیا و آخرت خویش را آباد کند و یا در سطح بالاتر مدینه فاضله و آرمان شهر را به وجود آورد.

وقتی هدف رسیدن به آرمان شهر مهدوی قرار می‌گیرد، سخن گفتن از شهر ناب که فوکویاما در پایان تاریخ برای واپسین انسانی که لیبرال دموکراسی را خاستگاه آن می‌داند و مدینه فاضله افلاطون و فارابی و دیگران موقعیت مناسبی برای سرمایه‌گذاری نخواهند بود؛ زیرا در دیدگاه آنان، انسان کامل مورد غفلت واقع شده و حتی گاه فناوری و مدرنیته برای زدودن اعتقاد به آن وارد میدان شده است. در این حالت است که انسان در مسیر پیشرفت از همراهی با عصاره خلقت که منظور از آن امام زمان علیه السلام است (طباطبایی، ج ۲۰: ۶۰۹) باز خواهند ماند و به خسران گرفتار خواهند شد.

توجه به این مطلب نیز لازم است که منظور از توجه به توسعه و پیشرفت در اسلام و توجه ویژه به آخرت، ترک دنیا و مادیات نیست؛ زیرا بی‌توجهی به دنیا، موجب تدارک آخرت و غفلت از آخرت نیز موجب ساختن دنیا نمی‌شود. ساختن آخرت در دنیا صورت می‌گیرد و عمران این دو چنان درهم تنیده است که هیچ یک را نمی‌توان به تنهایی دنبال کرد و گرایش به هریک بدون دیگری از سوی اهل بیت علیهم السلام امری نکوهیده و مورد سرزنش به‌شمار آمده است. در همین زمینه امام علی علیه السلام خطاب به عاصم بن زیاد که دنیا را

ترک گفته بود، فرمودند:

ای دشمنک جان خود! شیطان در تو راه یافته و هدف تیر او قرار گرفته‌ای! آیا به خانواده و فرزندان رحمت نمی‌کنی؟ تو خیال می‌کنی خداوند [به ظاهر] طیبیات را بر تو حلال کرده؛ اما [در واقع] دوست ندارد که از آن‌ها استفاده کنی؟! تو در پیشگاه خداوند بی‌ارزش‌تر از آنی که بدین گونه با تو رفتار کند! عاصم گفت: ای امیر مؤمنان! چرا تو خود با این لباس خشن و آن غذای ناگوار به سر می‌بری [در حالی که پیشوا و امام ما هستی؟ و بر ما لازم است به تو اقتدا کنیم] امام به او فرمود: وای بر تو! من مثل تو نیستم [وظیفه من غیر از شما است] خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند، تا نداری فقیر، او را به هیجان نیاورد که سر از فرمان خداوند برتابد. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۲۵).



از توبیخ امام علی علیه السلام نسبت به عاصم بن زیاد معلوم می‌شود توسعه و پیشرفت اسلامی مستلزم زندگی فقیرانه نیست و نباید به بهانه زهد اهل بیت علیهم السلام و اهتمام امام به پیامدهای ناشی از فقر تهیدستان از امکانات مادی و رفاه دنیوی فاصله گرفت.

توسعه و پیشرفت ممدوح در اسلام و به‌ویژه در آرمان شهر مهدوی آن است که جامعه در آن از طریق عمران و توسعه دنیا آخرت خود را نیز به دست آورد. به جهت اشاره به این مطلب، در روایت آمده است:

به وسیله قائم شما زمین خود را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجید ذات مقدسم، آباد کنم (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۳۲).

براساس این روایت پیشرفت و توسعه جامعه مهدوی، عمران و آبادانی هستی را در پرتو تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر تجربه خواهد کرد. به نظر می‌رسد هر یک از این تعابیر اشاره به حقیقتی باشد که پیشرفت جامعه در صورت تحقق آن‌ها شکل می‌گیرد. از این رو ممکن است تسبیح را احساس فقر مطلق جامعه به خداوند متعال دانست؛ چراکه او منشأ همه امور است و تهلیل را ناظر به فراگیری توحید تصور کرد و تقدیس را منوط به طهارت جامعه از شرک فرض و تکبیر را تعظیم خداوند متعال در جامعه مطرح کرد که همه این‌ها در سایه

حکومت امام عصر علیه السلام و به دست با کفایت او در آرمان شهر مهدوی تحقق می‌یابند و دولت کریمه مهدوی آنان را در همین دنیای مادی پی می‌گیرد و موجبات عمران سرزمینی و مادی را نیز در حد نهایی فراهم می‌آورد.

دوم، این که آنچه در قالب توسعه و پیشرفت شکل می‌گیرد برای همه جامعه باشد و عموم مردم و نسل‌ها از آن بهره‌مند گردند و دستاوردهای قبل از آن از بین نرود و تعادل و توازن طبقات مختلف جامعه به هم نخورد و انسجام و یک‌پارچگی جامعه محفوظ بماند؛ به گونه‌ای که کافر به زندگی خود برسد و مؤمن مخاطره‌ای برای حفظ ایمانش نداشته باشد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

بر حکومت لازم است زمینه آرامش و امنیت را فراهم کند تا مؤمن به ایمان و کافر به زندگی خود برسد و روزگار سپری کنند. در سایه حکومت زمینه پیکار با دشمنان را فراهم کنند، و راه‌ها را ایمن سازند و به کمک حکومت، حق ناتوان را از توانا بگیرند، تا نیکوکردار روز به آسودگی به شب رسانند و از گزند تبهکار در امان ماند. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۸۰).

توسعه‌ای که به تبعیض و برهم زدن توازن جامعه کمک کند، از نظر اسلام جایگاهی ندارد. خداوند همه جانبه بودن توسعه و پیشرفت را در از قرآن کریم چنین معرفی می‌کند:

كَيْ لَّا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حشر: ۷).

تداول و دست به دست شدن و گردش سرمایه - که یکی از شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود و شاخصی برای جامعه توسعه یافته به شمار می‌آید - در دست ثروتمندان مضموم است و تداول باید در کل جامعه جریان داشته باشد تا زمینه هر گونه ویژه‌خواری و انحصارطلبی و در نتیجه تبعیض و اختلاف طبقاتی از بین برود و امکان توسعه و پیشرفت برای همگان فراهم باشد. بررسی سیره‌ی امام مهدی علیه السلام مبتنی بر تشکیل دولت کریمه، نشان می‌دهد که جلوه توسعه‌یافتگی آرمان شهر مهدوی در حکومت آن حضرت نمایان می‌شود. از ویژگی‌های بارز آرمان شهر مهدوی ایجاد توسعه پایدار برای عموم مردم است و در سیره سیاسی آن حضرت همگان بهره‌مند خواهند شد.

عدالت، خاستگاه توسعه در مدینه فاضله

خداوند متعال مسؤلیت تحقق و اجرای عدالت را بر عهده پیامبر ﷺ و امام قرار داده و از ایشان پیمان گرفته است تا نسبت به شکم‌بارگی ظالم و گرسنگی مظلوم بی‌تفاوت نباشند. در حقیقت این دو، نمادی از جریان ظلم و بی‌عدالتی در جامعه‌اند که تا زمانی که انسان‌ها از وجود آن‌ها رنج می‌برند، توسعه و پیشرفت در جامعه با اصطکاک فراوان و به‌کندی صورت می‌پذیرد و چه بسا در بسیاری از موارد ممکن نگردد و عموم مردم هم در مقابل آن به ایجاد تحول قادر نخواهند بود و نیازمند کمک امام، برای تحقق عدالت باشند. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است:

لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ؛ اگر خداوند از عالمان پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده هیچ آرام و قرار نگیرند؛ بی‌تأمل رسته حکومت را رها می‌نمودم [و چون گذشته خود را به کناری می‌کشیدم]. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۵۰).

دقت در سخنان امام علی علیه السلام نشان می‌دهد حکمت حضور انبیا علیهم السلام و اولیای الهی در جامعه و همنشینی آنان با مردم برای حفظ جامعه از لغزش و رهایی از ستم است که تازمانی که روح این گونه مسائل بر جامعه حاکم باشد، توسعه و پیشرفت جایگاهی نخواهد داشت. اوج توسعه و پیشرفت جامعه آرمان‌گرا در مدینه فاضله قابل مشاهده است. به همین لحاظ امام علیه السلام با جامعه همراه می‌گردد؛ چنان که در کلام امام علی علیه السلام آمده است:

وَ لَقَدْ أَحْسَنْتُ جَوَارِكُمْ وَ أَحَطْتُ بِجُهْدِي مِنْ وَرَائِكُمْ وَ أَعْتَقْتُكُمْ مِنْ رِبْقِ الذُّلِّ وَ حَلَقِ الضَّمِيمِ شُكْرًا مِثِّي لِلْبِرِّ الْقَلِيلِ وَ إِطْرَاقًا عَمَّا أَدْرَكَهُ الْبَصَرُ وَ شَهْدَةً الْبَدَنِ مِنْ الْمُتَكْرِرِ الْكَثِيرِ؛ با شما به نیکویی به‌سر بردم، و همه تلاش خود را کردم تا پاسداری‌تان کنم و از بندهای خواری آزادتان کردم و از حلقه‌های ستم‌رہایتان کردم (همان: ۲۲۴).

همنشینی امام با جامعه و تلاش و کوشش او برای رشد و بالندگی جامعه به انسان‌ها برای

رسیدن به آرمان مطلوب در جوار امام انگیزه و امید می‌بخشد تا خود را از پبله ظلم و ذلت برهانند و به آرمان شهری در سایه اندیشه امامت دست یابند.

تحقق مرتبه نهایی توسعه و پیشرفت جامعه آرمان‌گرا در مدینه فاضله به لطف حضور امام در بین مردم و نهادینه کردن ساختاری است که با ظلم مخالف است و به برادری اهل ایمان اهتمام می‌ورزد؛ به گونه‌ای که در ساختار حکومت قائم سود گرفتن مؤمن از برادر مؤمنش ربا به شمار می‌آید! (صافی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۷۳). با آمدن امام دوازدهم ظلم و جور از بین می‌رود، توسعه و پیشرفت و تشکیل مدینه فاضله مهدوی به لطف همجواری جامعه با آن امام همام تبلور می‌یابد و مشکلات جامعه مؤمن به امام مهدی از بین می‌رود:

زمانی که قائم قیام کند خداوند از هر مؤمنی بیماری، نقص و آفت را دور ساخته و نیرویش را به او باز خواهد گردانید (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۷).

اهتمام امام عصر به تحقق عدالت فراگیر در جامعه آن چنان است که کم‌تر اتفاق می‌افتد حکومت مهدوی از سوی آن حضرت مطرح شده و یا در روایت اهل‌بیت مورد اشاره قرار گرفته باشد و در آن سخن از برپایی عدالت نباشد؛ به گونه‌ای که روایات دال بر اجرای عدالت در دولت کریمه به حد تواتر رسیده‌اند. دستاورد توسعه و پیشرفت با توجه به آرمان شهر مهدوی، از آن جهت تحقق خواهد یافت که روح ایمان و اعتقاد به امام در جامعه پیشرفت می‌کند و نیروی مؤمن به او باز می‌گردد.

به نظر می‌آید رمز و راز این اتفاق مهم در این باشد که هوای نفس کنار گذاشته می‌شود و تفکر اومانیستی و انسان‌گرایانه به مسئله توسعه از جامعه رخت برمی‌بندد و انسان‌ها موفق می‌شوند پیشرفت را با افقی که امام به آن می‌نگرد و در اندیشه اسلامی تحلیل می‌شود مورد توجه و دقت قرار دهند. به همین دلیل در سخن امام علی علیه السلام آمده است:

فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَىٰ عَنْ نَفْسِهِ يَصِفُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ لَأَ يَدْعَ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا أُمَّهًا وَلَا مَظِنَّةَ إِلَّا قَصْدَهَا قَدْ أُمِّكْنَ الْكِتَابَ مِنْ زَمَامِهِ فَهُوَ قَائِدُهُ وَإِمَامُهُ يَحُلُّ حَيْثُ حَلَّ ثَقَلَهُ وَيَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنْزِلُهُ؛ نخستین مرحله عدالتش این است که خود را به عدالت ملزم کرده، و خواسته‌های دل را بیرون رانده؛ حق می‌گوید و به حق عمل می‌کند. هیچ کار خیری نیست، جز آن که برای اجرایش به پا خاسته و در

هیچ‌جا گمان نیکی نبرده، جز این‌که به سوی آن به راه افتاده، زمام خود را به دست قرآن سپرده و قرآن رهبر و پیشوای او است، هر جا قرآن فرود آید، او بار خویش را در همان جا افکند، و هر جا منزل نماید، او آن‌جا را منزلگاه خویش سازد (همان: ۱۱۹).

توسعه‌یافتگی آرمان شهر مهدوی از آن جهت تبلور می‌یابد که عدالت، در اندیشه سیاسی امام مهدی علیه السلام برای اجرای حکومت مسئله‌ای نمادین نیست و ایدئولوژی آن برساخت‌گرایی صرف و سرمایه‌داری سازمان‌یافته مبتنی بر حقوق بشر و آزادی تأکید نمی‌کند و به تصویب قوانین حقوق بشری که در سایه منافع صاحبان قدرت شکل می‌گیرد، منتهی نمی‌گردد.

الگوی توسعه سیاسی که تجلی پیشرفت آن در آرمان‌شهر مهدوی است؛ بر باطن افراد و تغییر و دگرگونی روحی - اخلاقی مبتنی است. و دغدغه آن تربیت نیروی اخلاقی است و تلاش آن برای نیروسازی است و از ایشان پیمان می‌گیرد که نسبت به این امر مهم اهتمام داشته باشند. به جهت اشاره به این مطلب در کلام امام علی علیه السلام آمده است:

قائم ما با یارانش پیمان می‌بندد و از آنان بیعت می‌گیرد که... مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره ذخیره نکنند... مال یتیمان را نخورند (صافی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۲۸).

توسعه سیاسی در عصر مهدوی توسعه‌ای عدالت‌محور خواهد بود؛ برخلاف فرایند توسعه سیاسی در جهان امروز که با وجود شعارهای مختلفی چون حقوق بشر، آزادی و توسعه سیاسی، عدالت مسئله اصلی جهان امروز نیست. عدالت صرفاً مکانیسمی تلقی می‌شود که از طریق اقتصاد آزاد، باید خودبه‌خود تأمین شود. اما در الگوی نظام مهدوی، توسعه سیاسی با تأمین عدالت همراه است. عدل و داد شعار اصلی امام مهدی علیه السلام است. هدف قیام آن حضرت نیز برقراری عدل و داد در جهان است. تعبیر «یملأ الارض عدلاً و قسطاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۰)؛ گویای مهم‌ترین ویژگی حکومت آن حضرت است.

شاخص‌های پیشرفت درمدینه فاضله مهدوی

تصور توسعه و پیشرفت بدون در نظر گرفتن عوامل آن امری بس دشوار و غیر ممکن

می‌نماید. به عبارت دیگر ماهیت توسعه به صورت جداگانه و مجزاً از آنچه به شکل‌گیری توسعه و پیشرفت می‌انجامد، قابل دسترس نیست. این مفهوم را نمی‌توان بدون عواملی که به آن می‌انجامد، در نظر گرفت. به همین دلیل لازم است عناصری که در این فرایند به خلق و رشد توسعه و پیشرفت کمک می‌کند، تحلیل شوند. به همین دلیل در این قسمت از پژوهش تلاش خواهد شد به مهم‌ترین آن‌ها به صورت گذرا اشاره شود.

۱. محوریت امامت معصوم علیه السلام

امامت در اندیشه اسلامی یکی از اصلی‌ترین مسائلی است که می‌توان از آن به عنوان یک مؤلفه و عامل اصلی برای بسیاری از مفاهیم، از جمله توسعه و پیشرفت استفاده کرد. دلیل این امر آن است که شناخت امام و همراهی با او، جدا کننده حق از باطل بوده و موجب نجات از مرگ جاهلیت است و قوام اندیشه اسلامی و ماهیت شیعه بسته به اندیشه امامت است. و عمران مدینه فاضله در سایه امامت معنا و مفهوم حقیقی خود را پیدا می‌کند. آنچه مهم است پاسخ به این سؤال مهم است که توسعه و پیشرفت اسلامی و تحقق جامعه آرمانی با رهبری امام و انسان کاملی که ماهیت خود را او می‌گیرد، چگونه شکل خواهد گرفت؟ برای پاسخ به این سوال جز شناخت امامت و آگاهی از کارکرد او در جامعه چاره‌ای نیست.

شناخت امام می‌تواند هدف را در مدینه فاضله به جامعه نشان دهد و انگیزه الگوبرداری توسعه و پیشرفت اسلامی و تکثیر آن را در جامعه ایجاد کند. جامعه در این فرض از وظیفه‌ای که بر عهده می‌گیرد، آگاه خواهد بود و در مقام رسیدن به آن بر می‌آید و کتاب و سنت را سرلوحه امور خود قرار می‌دهد و این همان حقیقتی است که امام در پی آن است؛ همان گونه که امام علی علیه السلام فرموده است:

إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَاقُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَالْإِجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ وَالْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ؛ همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را خدا امر فرموده است، و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، و تلاش در خیرخواهی، و زنده نگاه داشتن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله (نهج البلاغه: ۱۴۱۴: ۱۵۲).

بر اساس مطالب پیش گفته روح توسعه و پیشرفت اسلامی متشکل از آموزه‌های قرآن

کریم و سنت شریف و سیره اهل بیت علیهم السلام است و زمانی می‌توان عنوان توسعه و پیشرفت را بر جامعه‌ای اطلاق کرد که در آن جامعه، منویات امام و منش او در سامانه اعتقادی جامعه مورد اهتمام جدی قرار گیرد و به موازنه پیشرفت در آرمان‌شهر مهدوی نظام و جهت بخشد؛ همان گونه که در سخن امام علی علیه السلام آمده است:

انظروا أهل بيت نبيكم فإن لبدوا [فألبدوا] وإن استنصروكم فأنصروهم تنصروا و تغدروا فإنهم لن يخرجوكم من هدى و لن يدعوكم إلى ردى و لا تسبقوهم بالتقدم فيصركم البلاء و تسميت بكم الأعداء؛ به اهل بیت بنگرید؛ اگر آن‌ها اقدامی انجام ندادند شما نیز به عملی دست نزنید و اگر آنان شمار را به یاری طلبیدند؛ ایشان را یاری کنید که ایشان شما را از مسیر هدایت بیرون نمی‌برند و در وادی هلاکت قرار نمی‌دهند، بر ایشان سبقت نگیرید که در بلا گرفتار می‌شوید و مورد شماتت دشمن قرار می‌گیرید (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۱۵).

تجلی پیشرفت در رسیدن جامعه به غایتی مطلوب، در ورای ظهور در آرمان‌شهر مهدوی، زمانی آشکار می‌گردد که گوش و چشم جامعه به سوی امام متمرکز می‌شود. اباعبدالله علیه السلام: **إِن قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي إِسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى [لَا] يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ تَرِيدٌ، يُكْمَلُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَبْصُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ:** امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند خدای عز و جل در گوش‌ها و دیدگان شیعیان ما چنان نیروی رسانایی بنهد که دیگر میان آنها و حضرت قائم علیه السلام پیکی نباشد و آن حضرت [از فاصله دور] با آنان سخن بگوید و آنان بشنوند و او را در همان جایی که هست ببینند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۲۴۱).

«مدالله» از جمله تعابیر گویایی است که بر وجه دیگری از وجوه توسعه‌یافتگی سیاسی آرمان‌شهر مهدوی دلالت دارد. دلیل این ادعا آن است که این مرحله از پیشرفت توجه و بصیرت در سایه حکومت امام عصر علیه السلام شکل می‌گیرد و این فرایند مرهون ساختار قیام است که فاصله امام و مردم را به‌طور کلی از بین می‌برد؛ به گونه‌ای که شیعیان آن حضرت با امام در ارتباط بوده، سخن او را می‌شنوند و به او می‌نگرند؛ در حالی که او در مکان خویش است.

۲. همراهی و همدلی جامعه با امام عصر

مرور روایات مهدویت نشان می‌دهد تحقق ظهور به زمینه و خاستگاهی نیاز دارد که منتظران ظهور در فراهم کردن آن نقش قابل توجهی دارند. به همین لحاظ توسعه و پیشرفت الهی و مطلوب که هدفش تکثیر الگویی برای رسیدن به آرمان شهر مهدوی است، در قالب فرایندی طبیعی و غیر ارادی قابل تصور نیست که بدون تلاش و کوشش جامعه برای رسیدن به آن روی دهد. اما نکته اساسی که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت و اهمیت آن ایجاب می‌کند به صورت مجزاً به آن پرداخته شود؛ تاب و توان و ظرفیت جامعه برای پذیرش امامت و ملزومات آن است.

مسئله امامت امر بسیار مهمی است و به تعبیر امام هشتم علیه السلام فراتر از آن است که با عقول ناقص مردم قابل درک باشد (همان، ج ۱: ۱۹۹). جامعه و عموم مردم توان همراهی با اندیشه امامت را ندارند؛ حتی نمی‌توانند ظرف مناسبی برای علوم امام بوده و از حاملان علم امامت به شمار آیند که این امر، خود از موانع جدی توسعه و پیشرفت، با توجه به آرمان شهر مهدوی است. اگر جامعه در حدی باشد که ظرفیت پذیرش علم امامت را داشته باشد، امام می‌تواند آن را ظرف وجودی علوم امامت قرار دهد و جامعه با علم امامت شاخصه‌های پیشرفت را پی می‌گیرد؛ در غیر این صورت، از پیشرفت باز می‌ماند؛ زیرا امکان بردوش کشیدن علم و دانش امامت را نخواهد داشت.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

...لَوْ وَجَدْتُ لِعِلْمِي الَّذِي آتَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَمَلَةً لَنَشَرْتُ التَّوْحِيدَ وَ الْإِسْلَامَ وَ الْإِيمَانَ وَ الدِّينَ وَ الشَّرَائِعَ مِنَ الصَّمَدِ وَ كَيْفَ لِي بِذَلِكَ وَ لَمْ يَجِدْ جَدِّي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام حَمَلَةً لِعِلْمِهِ حَتَّى كَانَ يَتَنَفَّسُ الصُّعْدَاءَ وَ يَقُولُ عَلَى الْمَنِيرِ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي (صدوق، ۱۳۸۹: ۹۳)؛ ...اگر حاملانی چند را از برای علم خویش که خدای عزوجل به من عطاء فرموده بود می‌یافتم هر آینه نشر توحید و اسلام و ایمان و دین و شریعت‌ها از لفظا الصمد می‌کردم و چگونه این امر مرا میسر شود و جدم امیرالمؤمنین حاملانی را از برای علم خویش نیافت حتی آنکه چنان بود که آه سرد از سینۀ پر درد بر می‌کنید بر سر منبر می‌فرمود که از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید.

گرچه در روایات واژه توسعه و پیشرفت وارد نشده است؛ تعبیر «لنشرت» از امام صادق علیه السلام به نیکی بر تحقق این مفهوم دلالت دارد و می‌توان مفهوم توسعه و پیشرفت را در سایه آن تحلیل کرد و به یک سؤال اساسی پاسخ داد و آن این که چه چیزی در توسعه و پیشرفت اسلامی، به ویژه در آرمان‌شهر مهدوی قرار است توسعه یابد؟ در پاسخ باید گفت توسعه ظرفیت و پرورش استعداد لازم برای پذیرش امامت و استقبال از آنچه امام، جامعه را به آن امر و یا از آن نهی می‌کند؛ پدیده‌ای است که لازم است تحقق یابد؛ به گونه‌ای که توده مردم و به تعبیری جامعه در این فرایند حاملان اهداف الهی امامت دانسته شود.

تحلیل اطلاعات و داده‌های تاریخی نشان می‌دهد هر جامعه‌ای توان همراهی با امامت و ولایت را ندارد؛ به‌ویژه امام دوازدهم که بناست آرمان‌شهر مهدوی به دست با کفایت او سامان گیرد و زمین از ناحیه او آباد گردد:

به وسیله او [قائم] زمین را از دشمنان خود پاک کنم و به دوستانم ارث دهم و با او کلمه کفار به خودم را پست سازم و کلمه خود را برافرازم و به او بندگانم و بلادم را زنده کنم. (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۳۱)

از آن‌جا که امام دوازدهم در سخن امام حسن عسکری به خضر تشبیه شده است، به خوبی می‌توان فهمید، حکمت این تشبیه بنا بر آنچه در قرآن کریم آمده است، به داستان موسی و خضر برمی‌گردد که در آن از زبان خضر علیه السلام به موسی علیه السلام گفته می‌شود: «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا». (کهف: ۶۷). موسای کلیم در همراهی با خضر نبی که استاد او به شمار می‌آید تاب نیاورده و در مقابل کارهای خضر صبر نداشت و همین امر فراغ بین موسی و خضر را موجب شد.

نکته قابل دقت و بسیار ظریف همین جاست که در توسعه و پیشرفت اسلامی و همراهی با انسان کامل در مدینه فاضله، یکی از عوامل مهمی که بازماندن جامعه از مصاحبت و همراهی با امام را باعث می‌شود، عدم تحمل علم امامت و نداشتن ظرفیت لازم برای مظلوم‌بی‌انتهای ولایت است. از آن‌جا که تحمل علم امامت امری آسان به نظر نمی‌رسد و به زیرساختی نیازمند است که ابزار و امکانات توسعه امروزی، راه رسیدن به آن را تسهیل

نمی‌کند تا جامعه بتواند از طریق آن، خود را برای تحمل علم امامت آماده کند؛ لازم است سازوکاری اتخاذ شود که جامعه در سایه آن به راهکاری برای صبر و شکیبایی به منظور حفظ و تداوم رابطه خود با امام دست یابد. گرچه در آیات و روایات خاصی برای رسیدن به آستانه تحمل علم امامت اشاره نشده است؛ به نظر می‌رسد اهتمام به امتحان عصر غیبت در این مسئله تأثیر قابل توجهی داشته باشد؛ همان گونه منصور صیقل می‌گوید:

بر امام باقر علیه السلام وارد شدم؛ جماعتی نزد او بودند. پس در آن میان که ما با یک دیگر سخن می‌گفتم و آن حضرت رو به یکی از یاران خود داشت؛ ناگاه رو به ما کرد و فرمود: شما از در مورد چه چیز سخن می‌گویند؟ هیهات! هیهات! آنچه گردن‌های خود را به سویش می‌کشید [منتظر آن هستید] واقع نخواهد شد تا این که پاکسازی شوید، [هیهات] و آنچه گردن‌های خویش را به سوی آن می‌کشید، واقع نمی‌گردد، تا این که باز شناخته و از یک دیگر جدا شوید و آنچه گردن‌های خود را به سویش می‌کشید واقع نخواهد شد تا این که غربال شوید، و آنچه گردن‌های خویش را به جانب آن می‌کشید واقع نخواهد شد، مگر پس از نومیدی، و آنچه به جانب گردن‌های خود را می‌کشید واقع نخواهد شد، تا کسی که اهل نگون بختی است، به سیه‌روزی و آن که اهل سعادت است، به نیک‌بختی رسد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

وصف اهداف بلند مسئله مهدویت از سوی اهل بیت علیهم السلام موجب شده بود جامعه اسلامی و منتظر ظهور موعود افق روشنی را پیش روی خود ببیند و چهره مدینه فاضله مهدوی را واقعی بیابد و همواره برای رسیدن به آن لحظه شماری کند. همین امر موجب گفت‌وگو در باره جامعه‌ی آرمانی و وصف آن شده بود که خود می‌توانست نویدبخش توسعه و پیشرفت باشد مشروط به آن که ناخالصی‌ها و آلودگی‌های جامعه در اطاعت از امام (که خود پژوهش مستقلی می‌طلبد) از بین برود و مطیع و حامل امر امامت و ولایت از غیر آن بازشناخته شود و افرادی که در همراهی با امامت رشد لازم را ندارند و در گذر زمان به لغزش گرفتار شده و از همراهی با امامت باز می‌مانند، قافله ولایت‌مدار را ترک گویند و شقاوت خویش را نمایان سازند و میدان را به افرادی که سعادت مصاحبت و وفاداری را به امام دارند؛ واگذار کنند.

۳. هماهنگی با اقتضائات زمان

عصری که جامعه در آن زندگی می‌کند در توسعه و پیشرفت از نظر اسلام نقش مهمی دارد. گاه جامعه در گذر زمان، چنان در تنگنا قرار می‌گیرد که حتی توسعه محدود را بر نمی‌تابد و در جزئیات زندگی در اوج سادگی برای پیشرفت جایی باقی نمی‌گذارد. در روایتی آمده است:

سفیان ثوری در مسجد الحرام به امام صادق علیه السلام رسید؛ دید آن جناب لباس‌های گران‌بهای پوشیده است؛ گفت: به خدا قسم می‌روم، او را سرزنش کنم. نزدیک امام شد و گفت: یابن رسول الله! به خدا قسم پیغمبر اکرم و علی مرتضی و هیچ کدام از پدران گرامی‌ات چنین لباسی را پوشیده‌اند! حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان فقر و تنگدستی مردم زندگی می‌کرد و مطابق همان سختی گذران می‌کرد؛ ولی بعد از او نعمت فراوان شده؛ شایسته‌ترین مردم به نعمت‌های دنیا ابرار و نیکان هستند بعد این آیه را قرائت کرد:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (اعراف: ۳۲) و فرمود: ما از همه مردم شایسته‌تریم به نعمت‌های خدا. در ضمن، آنچه تو در ظاهر، لباس من می‌بینی برای مردم پوشیده‌ام [تا نگویند جعفر بن محمد فقیر و محتاج است]. آن‌گاه دست سفیان را گرفته، کشید و لباس‌های رو را یک طرف کرد و لباس خشنی را که از زیر پوشیده بود، به او نشان داد و فرمود: این لباس را برای خودم پوشیده‌ام که درشت و خشن است و آنچه دیدی برای مردم بود. آن‌گاه دامن سفیان را بالا زد که در رو لباس درشت و خشن پوشیده بود؛ ولی در زیر آن لباس نرم داشت و فرمود: این لباس خشن و درشت را رو پوشیده‌ای تا به مردم بنمایی که زاهد و پارسایی و این لباس نرم را برای آسایش خود پوشیده‌ای که خوش بگذرانی (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۴۷: ۳۶۰).

از مطالب پیش گفته در می‌یابیم که گذر زمان و رسیدن به ظهور امام دوازدهم علیه السلام و تجدید سنن در عصر آن حضرت به عنوان انسان کامل؛ موجب سیر قهقرایی به گذشته و بازگشت به نواقص و کاستی ناشی از نبودن ظرف مناسب زمانی نیست؛ بلکه به تناسب تشکیل حکومت امام عصر و رشد و غایتی که در ورای ظهور روی خواهد داد، در عصر ظهور

گونه کامل و مطلوبی از نوزایی و تجدد و رشد و شکوفایی به ارمغان آورده می‌شود و هرگز نمی‌توان پذیرفت پیشرفتی که در مدینه فاضله مهدوی شکل می‌گیرد، همان باشد که در زمان اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. شاهد این ادعا را می‌توان سخنی از امام صادق علیه‌السلام قرار داد که در آن آمده است:

مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ خَيْرَهُمَا فَهُوَ مَغْبُوطٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ إِلَى النُّقْصَانِ وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ؛ امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس که (کردار نیک) دو روزش برابر باشد مغبون گشته است، و کسی که پایان دو روزش بهترین لحظات آن دو روزش باشد، همه آرزوی او را کشند و بر او رشک برند، شخص که آخر دو روزش بدترین اوقات آن دو روز باشد، از نیکی و رحمت خدا دور شده است.

نیز آن کس که بهتر شدنی در خود نبیند، پس او رو به کاهش نهاده، و کسی که رو به کاهش باشد، مرگ برایش از زندگانی بهتر است (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۴۲).

تأکید امام صادق علیه‌السلام بر «مَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ» نشان می‌دهد جامعه نمی‌تواند در عصر ظهور و آن دوران طلایی به گذشته خود بیندشید و آرزوی رسیدن به آن را داشته باشد و ناگزیر است در پی نمو و پیشرفت متناسب با انسان کامل و عصاره خلقت باشد. بنابراین، همان گونه که عصر ظهور عصر حضور انسان کامل است آرمان‌شهر مهدوی با اهتمام به موازنه با این زمان تحقق می‌یابد و جامعه به رشدی فزاینده و پیشرفتی فزون‌تر نسبت به کل گذشته خود خواهد داشت.

۴. تعقل و تفکر

تصور توسعه و پیشرفت بدون تعقل و عقلانیت خیالی بیش نیست. عقل محبوب‌ترین مخلوق الهی است؛ چنان که در روایت امام باقر علیه‌السلام آمده است:

چون خدا عقل را آفرید، او را به سخن در آورد و سنجید، گفتش پیش آی، پیش آمد و گفتش پس رو، پس رفت، خدا فرمود: به عزت و جلال خودم سوگند، خلقی نیافریدم که نزد من از تو محبوب‌تر باشد. تو را به کسی دهم که دوستش

دارم. همانا روی امر و نهی من با تو است و کیفر و پاداشم به حساب تو است
(کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۰).

خداوند متعال اوامر و نواهی خود را بر پایه عقل استوار کرده و عقل را میزانی برای تکلیف
بندگان قرار داده است. عقاب و ثواب اعمال نیز بر اساس عقل است. در جایی که عقل موجب
ثواب و عقاب است، قطعاً می‌تواند موجب پیشرفت و توسعه و یا پس‌رفت و عقب ماندگی باشد؛
چراکه عقل با اطاعت از اوامر و گرایش به ثواب رابطه مستقیم دارد و کنار گذاشتن آن در
گرایش به نواهی و استحقاق عقاب دارای نقش اساسی است.

هرجا عقلانیت و خردورزی باشد، لوازم آن نیز خواهد بود؛ همان گونه که در سخن امام
علی علیه السلام آمده است:

خداوند متعال این پدیده محبوب [عقل] را با دین و حیا به خلیفه خود عنایت
فرمود و از او خواست یکی از آن‌ها را اختیار کند که حضرت آدم عقل را برگزید و
هنگامی که حضرت آدم عقل را اختیار کرد، دین و حیا نیز همراه آن ماندند
(همان).

دقت در این حدیث نشان می‌دهد اگر جامعه به عقلانیت روی آورد، ملزومات عقل را
به دست می‌آورد. قرآن کریم در آیات مختلف و متعددی بر تعقل در امور توصیه و تأکید
می‌کند (بقره: ۴۴، ۷۳ و ۲۴۲؛ آل عمران: ۶۵ و ۱۱۸؛ انعام: ۳۲ و ۱۵۱؛ یوسف: ۲۷). تدبیر در
این گونه آیات نشان می‌دهد نقش عقل در پیشرفت و توسعه اسلامی و آرمان شهر مهدوی
بسیار مهم و حیاتی است؛ به گونه‌ای که قوام پیشرفت و توسعه و حتی ماهیت آن به عقل
وابسته است. اهمیت عقلانیت و خردورزی تا آن جاست که خداوند متعال هدف از بعثت و
ارسال پیامبران را پرورش آن قرار داده است و به کمک آن‌ها عقل به پویایی می‌رسد. هرچند
آنچه جامعه از پیامبر و اهل بیت در جهت پرورش عقل دریافت کرده است، با پیشرفت مورد
نظر در آرمان شهر مهدوی فاصله فراوانی دارد؛ همان گونه که در سخن امام صادق علیه السلام
خطاب به ابوبصیر آمده است:

در تارک شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله یک دفتر کوچک بود، به امام صادق علیه السلام گفتم:
در آن دفتر چه بود؟ فرمود: همان حرف‌ها که از هر حرفی هزار حرف گشوده

می‌شود، ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: تاکنون از آن حرف‌ها دو حرف بیرون داده نشده. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۹۶).

بر اساس این روایت جامعه نتوانست در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به پیشرفت در حد کامل و درجه اعلای آن دست یابد. رشد فزاینده و متحول شدن علم در عصر ظهور محقق خواهد شد و جامعه در مدینه فاضله مهدوی در سایه دولت کریمه جامعه توسعه و پیشرفت علم و عقل را در بهترین و کامل‌ترین مرحله مشاهده می‌کند. در این زمینه امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ، وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ علم بیست و هفت حرف است. آنچه پیغمبران آورده‌اند دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف ندانسته‌اند. پس موقعی که قائم ما قیام می‌کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را هم به آن‌ها ضمیمه نموده تا آن‌که بیست و هفت حرف خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۶).

تعبیر "بث" از جمله تعابیری است که می‌توان آن را ناظر به مفهوم پیشرفت دانست؛ به ویژه که این اتفاق در عصر ظهور برای توده مردم روی خواهد داد. در روایت دیگری آمده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ؛ هنگامی که قائم ظهور می‌کند دست خود را روی سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقول آنها جمع و افکارشان کامل می‌گردد. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۵).

ماهیت توسعه و پیشرفت در آرمان شهر مهدوی در رشد عقلانیت جلوه می‌کند و چپستی توسعه و پیشرفت را به بهترین شکل معنی می‌بخشد. به همین دلیل افزایش هر نوع تلاش و کوششی و یا پیدایش هرگونه وسعتی را نمی‌توان رسیدن به توسعه و پیشرفت دانست؛ بلکه عاملی که رشد آن، شاخصی برای توسعه و پیشرفت است و خود نقشی اساسی در رسیدن به این مفهوم اجرا می‌کند؛ عقل است که اگر نباشد، افزایش عمل کمکی به رشد جامعه نخواهد

داشت و توفیقی برای رسیدن به آرمان‌هایی که در مدینه فاضله مهدوی برای جامعه قابل وصول است؛ به هیچ وجه حاصل نمی‌گردد.

اهتمام به عقلانیت از آن جهت ضروری است که توسعه و پیشرفت به تدبیر و مدیریت و برنامه‌ریزی نیاز دارد و سامان‌دهی امور و جوامع توسعه یافته و پیشرفته را عقل برعهده می‌گیرد. عقل عاملی برای تفکر است و اندیشه توسعه و پیشرفت را پرورش می‌دهد؛ همان گونه که در روایتی آمده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ وَلَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكْرِ» (همان ج ۲۰: ۸)؛ عقلانیت، شاخصی برای مؤاخذه بندگان خدا و یا اعطای پاداش به بندگان می‌شود. به نظر می‌رسد این روایت به امر آخرت اختصاص ندارد و در دنیا نیز خداوند متعال ظرفیت وجودی بندگان برای نعمت‌های الهی و یا سلب نعمت را با توجه به عقل جامعه محاسبه می‌کند؛ حتی توسعه و پیشرفت که حد اعلائی آن در زمان ظهور و در آرمان شهر مهدوی در دولت کریمه انسان کامل آشکار می‌شود، در سایه‌ی ارتقا و رشد فزاینده این موهبت الهی شکل می‌گیرد.

تفکر نیز مانند تعقل در توسعه و پیشرفت نقش انکار ناپذیری دارد و در قرآن کریم در آیات مختلف مورد توصیه و تأکید قرار گرفته است (بقره: ۲۱۹ و ۲۶۶؛ انعام: ۵۰). تفکر به تعبیر امام علی علیه السلام موجب حیات دل جامعه و بصیرت قلب است:

اندیشه است که دل بینا را چنان که روشنی چو در تاریکی‌ها به وسیله نور راه می‌رود بر شما باد که خوش برآئید و کم بیائید و کم انتظار برید (کلینی، ۱۳۶۳ ج ۱: ۲۸).

جامعه‌ای که اهل تفکر نباشد طبق کلامی دیگر از آن حضرت، حتی در عبادت آن جامعه خیر و صلاحی دیده نمی‌شود:

لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ؛ در عبادتی که تفکر نباشد خیری نیست (همان: ۳۶).

در حقیقت این تفکر است که جامعه را به دنبال توسعه و پیشرفت روانه می‌کند. و آن را از خیال‌پردازی دور نموده و کمک می‌کند انسان‌ها در باره هدف غایی و مقصود نهایی انگیزه

پیدا کنند و برای رسیدن به آن تلاش نمایند و راه رسیدن به آن را هموار کنند و برای الگو برداری از الگوی مناسب در سطح جامعه، موجبات تکثیر آن را فراهم آورند و موانع پیش‌روی هدف را از مقابل خود بردارند. به تعبیر بهتر، تفکر موجب تحلیل دقیق‌تر مسئله شده و زیر ساخت بصیرت را فراهم می‌آورد؛ زیرا توسعه و پیشرفت مفاهیم مشابهی در گذر زمان پیدا کرده است و بسیاری از افراد جامعه، مفهوم بدلی و غیر اصلی آن را به عنوان مفهوم اصلی آن پذیرفته‌اند.

رشد عقلانیت و بالندگی تفکر به کشف توسعه و پیشرفت حقیقی می‌انجامد. به نظر می‌آید، ژرف‌اندیشی آخر الزمان که خود حکایت از نوعی پیشرفت در فهم جامعه از آموزه‌های الهی دارد، از همین باب باشد؛ چنان که در پاسخ امام سجاد به عاصم حمید آمده است:

خدای عز و جل دانست که در آخر الزمان مردمی محقق و مو شکاف آیند از این رو سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آیات سوره حدید را که آخرش وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ است، نازل فرمود. پس هر که برای خداشناسی غیر از این جوید هلاک است (همان: ۹۱).

به همین رو، توسعه و پیشرفت در آرمان شهر مهدوی در سایه امامت و ولایت با اهتمام به تکامل احلام و عقول، نهال تعقل و تفکر را بارور و تنومند نموده و توحید را تحقق می‌بخشد.

تجلی این پیشرفت از دو جهت قابل توجه است: اول آن که توسعه‌یافتگی آرمان‌شهر مهدوی که در سایه حکومت آن حضرت صورت می‌گیرد، حرکتی فردی و یا جزئی نیست که در پاره‌ای از موارد روی می‌دهد؛ بلکه این فرایند به صورت نهادینه‌شده از سوی دولت کریمه خواهد بود و نمود آن برای همگان است؛ به گونه‌ای که ابواب حکمت بر مردم گشوده می‌شود.

دوم، تبلور پیشرفت تا بدان جاست که عقلانیت پرورش‌یافته در سایه حکومت مهدوی به قشرهایی که در مجامع بشری، پایین‌دستی تلقی می‌شوند، قدرتی می‌بخشد که قادرند درون خانه خود بر اساس کتاب و سنت قضاوت و مسئله‌ای را که از شئون حکومت به شمار می‌آید، حل و فصل کنند.

در سخن امام باقر آمده است:

در دوران او شما از حکمت برخوردار می‌شوید تا آنجا که یک زن در خانه خود برابر کتاب خدا و روش پیامبر به انجام تکالیف شرعی خود می‌پردازد (نعمانی، ۱۳۷۹: ۲۳۹).

نکته قابل تأمل این که اصل قضاوت در اسلام تا قبل از ظهور برای زنان پذیرفته نیست؛ لکن در عصر ظهور رشدی صورت می‌گیرد که زنان نیز می‌توانند جایگاهی را درک کنند که قبل از پیشرفت در اختیار خواص جامعه و یا نخبگان است و این امر گویای رشد فکری و افزایش توان تعمق جامعه آرمان‌گرای مهدوی است.

۵. تقویت ایمان و تزکیه قلوب

توسعه و پیشرفت اسلامی به فراخور تحقق این امر در آرمان شهر مهدوی نیازمند ظرفیت است.

بر اساس آیات قرآن کریم ایمان به خدا و همراهی با انبیا و رعایت تقوا موجب شکل‌گیری توسعه و پیشرفت جامعه خواهد شد (اعراف: ۹۶).

تدبر در قرآن کریم نشان می‌دهد که استهزای پیامبران الهی از سوی مردم، مانعی جدی برای همراهی با ایشان بوده و موجب عقب ماندن جامعه از توسعه و پیشرفت مطلوب شده است. عدم ظرفیت این افراد به قلوب مریض و یا مغفول آن‌ها باز می‌گردد.

آنچه می‌تواند پیوند مردم را با فرستادگان الهی برقرار سازد و زمینه توسعه و پیشرفت را فراهم آورد، تزکیه قلوب است؛ اگر جامعه در مقام تزکیه قلب خود برآید و آن را برای پذیرش اندیشه امامت و ولایت، به‌ویژه حکومت امام دوازدهم نرم و ملایم کند، در این صورت می‌توان امیدوار بود که توسعه و پیشرفت اسلامی با توجه به آرمان شهر مهدوی شکل خواهد گرفت؛ چنان که در کلام امام علی علیه السلام آمده است:

اگر قائم ما قیام نماید آسمان بارانش را بیارد و زمین گیاهش را برویاند و کینه از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یک دیگر در صلح و آشتی بوده، تا آنجا که زنی از عراق تا شام راه بیفتد و جز بر سبزه‌زاران گام نهد و زیور و

زینت خود را بر سر داشته شد، هیچ درنده‌ای او را به هیجان نیاورده و او از هیچ چیزی نترسد (صافی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۴۴).

در حکومت آن حضرت سازوکاری اتخاذ می‌شود که کینه از دل بندگان بیرون می‌رود و آنان تزکیه می‌شوند و آستانه تحمل و پذیرش الطاف امامت و عبودیت تا آن جا رشد می‌کند که محبت خدا جایی برای دشمنی و عدوات نمی‌گذارد. به دیگر سخن در آرمان شهر مهدوی، افقی برای جامعه شکل می‌گیرد که امام عصر، حاکمیت دل‌ها را در اختیار می‌گیرد و از این رو جامعه به آرمانی دست می‌یابد که حکومت مهدوی به او ارزانی می‌دارد.

نتیجه‌گیری

ماهیت توسعه و پیشرفت در اندیشه اسلامی با مفهوم آن در غرب متفاوت است. از این رو تحلیل چپستی و شاخص‌های توسعه‌یافتگی و پیشرفت با توجه به آرمان شهر مهدوی به بررسی عواملی نیازمند است که به فرایند توسعه و پیشرفت از نظر گاه مسئله مهدویت می‌انجامد. آنچه در این پژوهش صورت گرفت، نشان می‌دهد رشد فزاینده عقل، ازدیاد تفکر در جامعه، اهتمام به عدالت، تحول و دگرگونی زمان، توان همراهی جامعه با امامت را افزایش داده و به شرط تزکیه قلب، آن را ظرفی برای مظلوف بی‌انتهای امر امامت و ولایت قرار می‌دهد و غایتی را برای جامعه شکل می‌دهد که در نتیجه رسیدن به آن، بین جامعه آرمان‌گرا با امام عصر علیه السلام به عنوان انسان کامل و عصاره خلقت همگرایی ایجاد می‌شود. هدف توسعه آرمان شهر مهدوی مبتنی بر اظهار دین و حاکمیت یکپارچه حکومت توحیدی تحقق یافته و دیگر به خداند متعال شرک ورزیده نمی‌شود و برندگان خداوند متعال نیز ستمی روا نخواهد شد. این مدینه فاضله چهره غیر انتزاعی و حقیقی دارد و جامعه آرمان‌گرا می‌تواند با تلاش برای رسیدن به شاخص‌های آن، شاهد جلوه آن در عالم هستی باشد و سعادت دنیا و آخرتش را در آن تجربه کند.

منابع

- قرآن کریم
۱. آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *امام مهدی موجود موعود*، قم، اسراء.
 ۲. اختر شهر، علی (۱۳۸۶). *اسلام و توسعه*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۳. ادیبی، حسین (۱۳۵۳). *زمینه انسان شناسی*، تهران، پیام.
 ۴. توسلی، غلام عباس (۱۳۷۲). *نظریه های جامعه شناسی*، تهران، سمت.
 ۵. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، قم، النشر الاسلامی.
 ۶. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
 ۷. صافی، لطف الله (۱۴۲۸ق). *منتخب الاثر*، قم، ثامن الحجج.
 ۸. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). *امالی*، تهران، کتابچی.
 ۹. _____ (۱۳۶۳). *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
 ۱۰. _____ (۱۳۸۹). *توحید*، قم، جامعه مدرسین.
 ۱۱. _____ (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*، جامعه مدرسین.
 ۱۲. _____ (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
 ۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *مصباح المتعجد*، قم، مؤسسه بعثت.
 ۱۵. _____ (۱۴۱۱ق). *الغیبه*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
 ۱۶. عبدیایی، نرجس (۱۳۸۹). *ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۸. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۲). *مرکز پژوهش های علوم انسانی ملاصدرا*، تهران، نشر انقلاب اسلامی.
 ۱۹. مجلسی، علامه محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه اللواء.
 ۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۹)، *الغیبه*، قم، انوار المهدی.
 ۲۱. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). *کتاب سلیم بن قیس هلالی*، قم، الهادی.